

جنبش انقلابی ایران در چه مرحله ایست؟

مردم، با تفاوت‌های بسیار جدی جمعی از روحانیون، در برابر جمعی دیگر از روحانیون آشنا شدند و افسانه "حکومت آخوندی" درهم شکست!

مردم، به مظلومیت آیت اللهی پی بردند، که یگانه جرمش صراحت گفتار، بودن در کنار مردم و ناسازگاریش با شکنجه، زندان، ظلم، تعصب، دیکتاتوری و... است. بدین ترتیب، پرونده آیت الله منتظری، یکبار دیگر در جمهوری اسلامی گشوده شد، اما این بار نه توسط توطئه کنندگان علیه او، بلکه توسط جنبش مردمی؛ نه برای محاکمه و زندانی کردن او، که برای آشنائی دوباره با روحانی جسوری که در مقابل اشتباهات بزرگ آیت الله خمینی، به قیمت از کف دادن همه موقعیت‌های حکومتی‌اش، ایستاد!

مردم، با مقوله‌ای بنام "توطئه" در جمهوری اسلامی آشنا شدند و چهره‌های توطئه گر را در حکومت رسوا ساختند. همان چهره‌هایی که از ابتدای پیروزی انقلاب دستشان به قتل، جنایت، ترور، شکنجه، اعدام، زدو بند با انگلستان و آمریکا، غارت اقتصادی کشور، قتل عام زندانیان سیاسی، ۱۹ سال دروغ، تزویر، سانسور، قلب حقایق و ترویج و تحمیل ارتجاع مذهبی و پول پرستی در ایران آلوده است!

مردم، با اسلامی آشنا شدند، که نمونه آمریکائی آن در عربستان و افغانستان در حاکمیت است و به همین دلیل "طالبان" جمهوری اسلامی را، در مقایسه عملکرد و اندیشه آنها با "طالبان" افغانستان بسیار زود شناختند و رسوا کردند.

مردم، پس از تصویب لوایح اخیر و زن ستیز در مجلسی که ریاست آنرا نامزد شکست خورده ارتجاع‌بازار در انتخابات ریاست جمهوری برعهده دارد، بسیار روشن تر و عیان تر از دوران کارزار انتخابات ریاست جمهوری، با این واقعیت آشنا شدند، که اگر رئیس کنونی مجلس، به ریاست جمهوری رسیده بود، کدام شیوه حکومتی، در دستور کار آن ریاست جمهور قرار می گرفت.

مردم، نه تنها بر ضرورت بازگشت آزادی‌ها به جامعه، لحظه به لحظه بیشتر آشنائی یافتند و بر آن پای فشرده، بلکه با بیم و هراس طرد شدگان انتخابات ریاست جمهوری از گشایش فضای سیاسی در ایران، برداشته شدن نقاب از چهره آنها و دلالت و انگیزه‌های واقعی آنها برای ستیز با آزادی‌ها آشنا شدند.

مردم، بدنبال علنی شدن تشکل‌های سیاسی و حتی نظامی ارتجاع مذهبی و غارتگران بازاری و نقش آنها در هدایت سکان‌های رهبری در جمهوری اسلامی، با ضرورت تاخیر ناپذیر و حیاتی تشکل و سازماندهی آشنا شدند.

مردم، به اهمیت و نقش "رای" خود بسیار بیش از گذشته پی بردند و دانستند که این متاع گران قیمت را نه تنها نباید از دست بدهند، بلکه در انتخابات میان دوره‌ای مجلس، که شورای نگهبان نماینده برای مردم انتخاب کرد تا به آنها رای بدهند، نشان دادند، که این سکه نقد و گران بها، را به آسانی خرج نمی کنند و دوران "دست و دل بازی" گذشته است!

مردم، دیدند و دانستند، که غارتگران بازاری و ارتجاع مذهبی، که توده‌های دهها میلیونی مردم، آنها را خان به آرمان‌های واقعی انقلاب بهمن ۵۷ می دانند، خود را پشت شعار "مرگ بر آمریکا" پنهان کرده‌اند و ضد انقلاب را زیر نقاب این شعار در جمهوری اسلامی پیش برده و می برند!

مردم، با نقش، اختیارات و حوزه عملکرد "رهبری" در جمهوری اسلامی آنگونه که ضرورت داشت آشنا شدند.

مردم، امروز برای نخستین بار و در کمیته دهها میلیونی دانسته‌اند و می بینند که تمامی طرد شدگان و منفورین جنبش دهها میلیونی مردم، طرفداران حکومت مطلقه رهبری هستند، که به حکم و تائید وی در پست و مقام خود باقی مانده‌اند و علیه جنبش مردم توطئه می کنند. سرپرست رادیو و تلویزیون، رئیس توطئه گر قوه قضائیه، اکثریت اعضای مرتجع و توطئه گر شورای نگهبان قانون اساسی، نمایندگان ولی فقیه در نیروهای مسلح، فرماندهان سپاه و بسیج و ارتش، امام جمعه‌ها، سرپرست و مدیران روزنامه‌های مردم ستیزی مانند "کیهان" و "جمهوری اسلامی"، تولیت بنیاد مالی عظیم و پر قدرت "آستان قدس رضوی"، سرپرست امپراطوری مالی-اقتصادی "بنیاد مستضعفان"، نماینده ولی فقیه در "کمیته امداد" و دهها نهاد و بنیاد و تشکیلات دیگر همگی به نوعی به نهادی وصل است، که نامش "نهاد رهبری" است!

مردم، در وسعت دهها میلیونی خود، امروز با مجلسی آشنا شده‌اند، که نامش "مجلس خبرگان رهبری" است و اختیاراتش در حد تعیین، عزل و بازخواست از

"رهبر" و رسیدگی به "نهاد رهبری" است. شناخته شده ترین این افراد، اکنون "ستاد توطئه" تشکیل داده و در اندیشه تبدیل این ستاد به "ستاد کودتا" هستند!

توده‌های مردم، با بخشی از اختیارات "نهاد رهبری" آشنا شده‌اند، که آن را مشابه دم و دستگاه سلطنت می بینند. ابقای تمامی مسئولین و نمایندگان نهادهای نام برده شده در بالا، پس از انتخابات ریاست جمهوری، مردم را عمیقاً در اندیشه یافتن راه حلی عملی برای کنترل این مرکز قدرت فرو برده است. مسئولین و نمایندگان، که اکثریت مطلق آنها، همگی از سران توطئه علیه جنبش مردم و ماجراجوئی‌های یکسال اخیر علیه این جنبش بوده‌اند. آنها در تمام ۸ سال گذشته، این پست و مقام‌ها را با همین اندیشه‌ها در اختیار داشته و عمل کرده‌اند، امروز اهمیت امر در آنست که مردم، طی یکسال، شناختی عمیق از نحوه برگماری، انتخاب کننده و بویژه نقش "رهبر" در تعیین آنها پیدا کرده‌اند.

به مجموعه این دلالت، که همچنان می توان بدان ادامه داد، جنبش تحول طلبی، "آزادخواهی"، ارتجاع ستیز و سرانجام "عدالتخواهی" و "استقلال طلبی"، که در کلیت خود "جنبش کنونی مردم ایران" را تشکیل می دهد، طی یکسال گذشته دستاوردهائی به اهمیت و در حد، تعیین مسیر آینده ایران داشته است.

بدین ترتیب است که هم جنبش مردم و هم مخالفان آن، صف آرائی عریانی را در برابر یکدیگر تشکیل داده‌اند. مردم توطئه گران و دشمنان "جنبش" را بدرستی به "طالبان" افغانستان و با ماهیتی انگلیسی-آمریکائی باز شناخته و معرفی می کنند. مردم "طالبان" ایران را وابسته به سرمایه داری تجاری می شناسند، که مدافع اندیشه‌های ارتجاع مذهبی است و اکنون با لباسهای "سیاه" و در گروه‌بندیهای فاشیستی، برای مقابله با "جنبش مردم" در خیابانها ظاهر شده است.

سرمایه داری تجاری ایران، که نمی خواهد اهرم‌های پر قدرت سیاسی-اقتصادی را از دست داده و تسلیم سرنوشتی شود که جنبش مردم برای آن تعیین خواهد کرد، مانند همه نمونه‌های تاریخی آن به سازماندهی گروه‌های شبه نظامی "فاشیستی" روی آورده است. ارتجاع و بازار، شتابزده تلاش می کند، "پیراهن سیاه"ها را پیشاتازان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی سازد! اندیشه ضد ملی "کودتا علیه مردم"، در این نشانه‌ها نهفته است. وقتی در تظاهرات نوروز، در مشهد و بدستور شیخ واعظ طبسی عده‌ای خطاب به "رهبر" شعار دادند "ای رهبر فرزانه- آماده ایم آماده" نخستین سوالی که به اذهان عمومی راه یافت، این بود، که "آماده چی؟"، "آماده کودتا؟"، وقتی در تظاهرات فرمایشی اصفهان، همین شعار توسط گروه‌های مهاجم تکرار شد، جز تعمیق شناخت مردم از آن اندیشه‌ای که در ستاد توطئه پرورانه می شود، حاصلی همراه نداشت! کیفیت و کمیت جنبش کنونی نشان می دهد، که در صورت چنین ماجراجوئی ضد ملی، که با مقاومت جدی - حتی در بدنه نیروهای مسلح- روبرو خواهد شد، جنبش بکلی وارد مرحله نوینی خواهد شد!

در چنین موقعیتی است، که اکنون و در این مرحله، دو حادثه و رویداد مهم، شانه به شانه هم پیش می روند:

انتخابات

۱- تمام تجربه یکسال گذشته و نشانه‌های موجود، نشاندهنده عمق آگاهی مردم از ساختار حکومتی و ضعف بزرگ آنست. ضعف بزرگ این ساختار، که به فروپاشی آن می تواند بیانجامد، "آزادی" و "تکیه بر قانون" است. بازندگان و طرد شدگان انتخابات ریاست جمهوری و سران ستاد "توطئه"، که اسامی آن‌ها در اطلاعیه سالگرد دوم خرداد "راه توده" منتشر شده، عمیقاً می دانند که توان شرکت در یک انتخابات را ندارند و در آن بازنده مطلق خواهند بود. این در حالی است که دو انتخابات بسیار مهم در پیش است: "انتخابات مجلس خبرگان" و "انتخابات شوراها".

جنبش می خواهد، در یک انتخابات واقعی شرکت کرده و با تغییر ترکیب نمایندگان این مجلس، آنرا به نهادی برای رسیدگی به نحوه عملکرد "رهبر" تبدیل کند (بی اعتنا به اینکه این رهبر، علی خامنه‌ای و یا ترکیبی از یک شورا و یا حتی یک شخص دیگر باشد).

مخالفان جنبش و طردشدگان انتخابات ریاست جمهوری، که در حال حاضر، رهبر کنونی جمهوری اسلامی را سخنگو و حامی خود می شناسند، با چنین انتخاباتی، و اساساً با تبدیل مجلس خبرگان به مجلسی، که مردم بر نمایندگان آن را بر می گزینند و "رهبر" باید پاسخگو به آن باشد، مخالفند، زیرا با نخستین تغییر توازن قوا در این مجلس، عرصه سیاسی-اقتصادی بر آنها تنگ می شود.

این معضل کدام دشواری‌ها و کدام راه حل‌های گره گشا را می تواند بوجود آورد:

گزارش مراسم سالگرد ۲ خرداد در دانشگاه تهران

دیروز "دوم خرداد" بود!

... در میان انبوه جمعیت، ماه های پرخروش سال ۵۷ را در خاطر می گردم و گام بر می داشتم. بطرف دانشگاه تهران می رفتم. من نمی رفتم، سیل جمعیت جوان و پرخروش، مرا هم با خود می برد. فشار جمعیت، گاه چنان بود، که نفس به سختی از سینه ام بیرون می آمد. سرماخوردگی های پی در پی در "اوسن" و "تزل حصار"، برونشیتی را برآیم به یادگار گذاشته است، که در اینگونه مواقع به نفس تنگی می افزاید. آنها که مرا در میان گرفته و با خود بطرف دانشگاه تهران می بردند، هیچکدام نمی دانستند بر من و امثال من، که نسل انقلاب بهمن به حساب می آئیم، چه رفته است. کمر درد، تنگی نفس، کفش طبی و سوزش کف پاها، همگی باهم، مرا از صف جلو به میانه جمعیت رانده بود. همه آنها یادگار و سوغاتی است که با خودم از زندان آورده ام. روزی که قرار بود رها شویم، در همین حوالی، یعنی خیابان انقلاب و حوالی دانشگاه تهران، چند صد متر به راهپیمایی وادارمان کردند. حاج اسداله لاجوردی، ترتیب این راهپیمایی را داده بود. عده ای از اعوان و انصارش را هم در میان ما کاشته بود، که از مسیر منحرف نشویم! اطمینان دارم که همان اعوان و انصار، حالا در گروه های انصارحزب الله و بقیه گروه های فشار و حمله، به مردم حمله ور می شوند.

عصر آروز، وقتی به اوین بازگردانده شدیم، در خلوت و تنهایی مدتها گریستم. لاجوردی خواسته بود، آخرین رمق های روحی را هم اینگونه از ما بگیرد. ما را در همان خیابان انقلاب، در مقابل همان دانشگاه تهران، که میعادگاه انقلاب بود، به تظاهرات "توبه" و داشته بود. اسیرانی بودیم که در مقابل شبخ اختناق و ارتجاع به نمایش گذاشته شده بودیم. بقیه قتل عام شده بودند!

فردای آروز و درآستانه رها شدن، پس از چلاته شدن، "حاج داوود"، با همان سبک و سیاق چاله میدانی اش، برایمان سخنرانی کرد: «از اینجا که بیرون رفتیم، برین دنبال کار و زندگی تون، همه چی تموم شد. شماها آخرین ته مانده های آرمانخواهی بودین...»

آدمیم بیرون، راست می گفت، گرد مرده در خیابانها پاشیده بودند، نمی شد حدس زد، به این زودی نسل جدیدی از آرمان خواهان از راه خواهند رسید... حالا، در میان این نسل جدید آرمان خواهان لنگان لنگان خودم را می کشم.

من، در میدان "ولی عصر" به جمعیت پیوستم. گویا از چند نقطه دیگر هم جمعیت بطرف دانشگاه به حرکت درآمده بود. نظم و ترتیب کار، پلاکاردها و شعارهای دقیق سیاسی همگی حکایت از سازماندهی تظاهرات داشت. امثال من و شماها، باید معنی این نظم و ترتیب و اهمیت سازماندهی را خوب بدانیم. تمام بلاتی که در این سالها، بر سر نیروهای مذهبی و غیر مذهبی انقلاب آمد، بدلیل همین نداشتن سازمان و تشکل و همکاری با همدیگر بود. مراسم و راهپیمایی دوم خرداد، بدعوت دفتر تحکیم وحدت، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و چند سازمان و تشکل کمتر شناخته شده دیگر برپا شد. تا آنجا که خبر دار شده ام، از طرف میدان آزادی، خیابان جمهوری و میدان فردوسی هم مردم ابتدا تجمع کرده و سپس بطرف دانشگاه تهران به حرکت درآمده بودند. اما مرکز اصلی و اعلام شده تجمع میدان ولی عصر بود.

جمعیت حوالی ساعت ۲ بعد از ظهر بطرف دانشگاه تهران به حرکت در آمد. آغاز حرکت توسط بلند گوهانی که روی کامیون ها نصب شده بود، اعلام شد. این کامیون ها، در حقیقت نقش ستاد رهبری تظاهرات را ایفاء می کردند. رهبران دانشجویی در این کامیون ها تظاهرات را اداره می کردند. من، هرچه تلاش کردم، نه آغاز و نه انتهای جمعیت را نتوانستم ببینم. مشکل قد و قواره ام نبود، چون یکبار هم خودم را به رکاب یکی از کامیون ها رساندم و موفق نشدم. جمعیت واقعا زیاد بود، اما علیرغم این انبوهی، نظم داشت!

لحظه ای که من توانستم از دروازه دانشگاه تهران عبور کنم، حوالی ساعت ۵ بعد از ظهر بود. یعنی مسیر راهپیمایی نزدیک به سه ساعت طول کشید. هیچ نوع امکانی برای جلو زدن از دیگران نبود، چون جمعیت فشرده حرکت می کرد. (بقیه در ص ۴)

الفد در صورت تحمیل یک لیست دستچین شده از سوی طرد شدگان انتخابات ریاست جمهوری و "ستاد توطئه" علیه جنبش، یعنی "شورای نگهبان"، مردم در انتخابات شرکت نخواهند کرد. عدم شرکت مردم در انتخابات، حتی اگر مجلس خبرگانی تشکیل شود، که آراء نمایندگان آن کمتر از نمایندگان انتخابات مجلس و یا مجموع شرکت کنندگان در انتخابات کمتر از همین تعداد شرکت کننده در انتخابات ریاست جمهوری باشد، این مجلس و رهبر برگزیده آن مشروعیت نمی تواند داشته باشد. بنابراین، اگر بدنبال کسب مشروعیت مردمی باشند، باید انتخاباتی برگزار شود، که دست شورای نگهبان و طرد شدگان انتخابات و ستاد توطئه در برگزینی ها کوتاه باشد.

به در صورت برگزاری انتخاباتی که مردم در آن شرکت کنند و مجلسی برپا شود، که در انحصار "ستاد توطئه"، "ارتجاع مذهبی"، "بازاری ها" و... نباشد، اگر این مجلس، حتی رهبر کنونی جمهوری اسلامی را بار دیگر برگمار کند، دیگر این رهبر، وابسته و برگمار شده از سوی طیف طرد شده در انتخابات ریاست جمهوری نیست و می تواند نقش دیگری، غیر از نقشی ایفاء کند که در ۸ سال گذشته و بعنوان مدافع و سخنگوی این طیف ایفاء کرده است. او بدین ترتیب می تواند، متکی به توازن جدید قوا در مجلسی که مردم برگزیده اند، با تحولات و خواست مردم در این عرصه همسو شود. شواهد بسیاری وجود دارد، که نشان می دهد، بخشی از حادثه آفرینی ها، که برای ترساندن رهبر کنونی جمهوری اسلامی به اجرا گذاشته می شود، و تلاش برای جلوگیری از انتخابات مجلس خبرگان و دفاع از ولایت مطلقه "علی خامنه ای" و یا دفاع از ادامه رهبری او بدون نیاز به تأیید مجلس خبرگان رهبری، در همین نکته آخر نهفته است. یعنی رهائی "علی خامنه ای" از وابستگی به رای، سازمان، تشکل و میدان داری اعضای ستاد ارتجاع و توطئه! این تلاش، در عین حال نشان می دهد، که آنها اطمینان دارند، در صورت تبدیل رهبر "کنونی جمهوری اسلامی" به پادشاهی در سلسله روحانیت، می توانند، هر لحظه که او پایش را از گلیمش بیشتر دراز کرد، سرش را زیر آب کرده و از این سلسله، ولیعهدی را بر جای او بنشانند و یا با افشای بخشی از انبوه اطلاعات و اخباری که در اختیار دارند، او را مجاب به همراهی با خود کنند!

۲- در برابر جنبش مردم، که خود را آماده شرکت در انتخابات مجلس خبرگان، شکستن سد مادام العمر بودن رهبری "علی خامنه ای"، ناچار ساختن رهبر "به پاسخگویی در برابر عملکردش به نمایندگان خبرگان رهبری و... طیف طرفدار تبدیل ولایت فقیه" به "سلطنت ولایت" می گوشت با انواع حادثه جویی ها، چنگ و دندان نشان دادن ها و ایجاد رعب و وحشت در جامعه، جلوی برگزاری انتخابات خبرگان را بگیرد و یا حداقل، برگزاری آن را بدان شکل که مایل است، ترتیب دهد.

راه انداختن دسته های چماقدار، با لباس های متحدالشکل سیاه در خیابان ها، مجهز ساختن آنها به نارنجک های گاز اشک آور، نوشتن نطق و دادن آن بدست فرمانده سیاه پاسداران برای قرارت جهت استماع فرماندهان نیروی دریائی، ترتیب دادن تظاهرات اصفهان به دفاع از رهبری "علی خامنه ای"، و در عین حال ترساندن او از خطر رهبر شدن آیت الله منتظری و... همگی بخشی از تلاش برای مقابله با انتخابات آینده مجلس خبرگان و سپس شوراهاست. بویژه در ارتباط با مسئله آیت الله منتظری، جنجال ها از سوی "ستاد توطئه" چنان دامن زده شده و هدایت می شود، که برای مردم هر روز بیش از پیش آشکار می شود، که هدف اصلی ترساندن "علی خامنه ایست! ورود به صحنه خود او در این عرصه نیز، عملا به این نقشه "ستاد توطئه" کمک کرده است. این در حالی است، که آیت الله منتظری در آخرین نطق خود، که منجر به تظاهرات نفرت انگیز تم شد، "علی خامنه ای" را بعنوان "رهبر" خطاب کرده و این امر را پذیرفته بود، و تنها در امر مرجعیت و استقلال حوزه های علمیه تم، به او توصیه کرده بود، که در این امر دخالت نکند!

در ادامه همین بند از نقش، عملکرد و برنامه های "ستاد توطئه" است، که فاصله گیری از هر نوع عملی، که به تشنج در جامعه ختم شود، ضروری است از این نظر باید "ستاد توطئه" را خلع سلاح کرد. جنبش مردم، جنبشی "قانونی" است و عملکرد شکست خوردگان انتخابات ریاست جمهوری، مقاومت آنها در برابر خواست های مردم ایران و تشکیل "ستاد توطئه" غیر قانونی است. باید با استفاده از همه امکانات موجود و ممکن، مردم را جهت شرکت آگاهانه در انتخابات مجلس خبرگان آماده ساخت و این انتخابات را به انتخاباتی واقعی و این مجلس را به مجلسی فعال، واقعی و در چارچوب اختیاراتی که قانون اساسی برای آن در نظر گرفته، تبدیل ساخته. از هر نوع رویا پروری، ماجراجویی، چپ نمائی و شرکت در مسابقه و رقابت جلو شتابان باید پرهیز کرد. ضعف بزرگ "ستاد توطئه" و مخالفان جنبش مردم همانا "آزادی"، "قانون"، وجود و حضور احزاب در صحنه، مطبوعات آزاد و منطقی است، و از همین ضعف، بیشترین بهره را برای به پیش بردن جنبش مردم باید برد.